

## ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی نفت سلاح نفت ، سلاح برای نفت .

بخش اول .  
به قلم : کاظم رنجبر ، دکتر در جامعه شناسی سیاسی .  
[Kazem.randjbar@yahoo.fr](mailto:Kazem.randjbar@yahoo.fr)

### . موثر ترین سلاح در دست ظالم ، فقر شعور و نا آگاهی مظلوم است .

این مقاله تقدیم به گرامی داشت خاطره زنده یاد دکتر محمد مصدق رهبر جنبش ملی شدن نفت ایران می شود

وقتی که در در پایان هزاره سوم ، یک ملت باستانی چون ایران ، یک آخوند با اندیشه های دوران جاهلیت جامعه عشیره ای عربستان می شود «رهبر و امام امت» ، ودهها و صد ها تحصیل کرده دانشگاهی ایران ، با تیتراژ دانشگاهی دکتر ومهندس ، برای بوسیدن دست آن امام امت صف می کشند ، آیا شما تعجب می کنید که بیش از سه قرن است ، هستی مادی و معنوی ملت ایران توسط قدرت های استعماری و سرسپردگان این قدرت ، به تاراج می رود؟

\* \* \*

**پیشگفتار :** مقاله را که که با عنوان : ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی نفت ، در بخش های متعدد در اختیار خوانندگان گذاشته می شود در حقیقت تحلیل و تفسیر یک قرن : **جنگ نفت ، جنگ برای نفت** ، است . در طول یک قرن گذشته جمعیت دنیا که در قرن نوزدهم از یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون بود ، به شش میلیارد و بیست میلیون نفر در قرن بیستم رسیده است . (ماخذ : 1) <http://economiedurable.over-blog.com/article-les-chiffres-clefs-de-la-population-45829872.html>

به عبارت دیگر ، جمعیت جهان در طول یک قرن در حدود 4 برابر افزایش یافته است ، که چنین افزایشی با چنین سرعتی در طول تاریخ بشریت هرگز سابقه نداشته است . در مقابل افزایش جمعیت جهان ، و تمدن دنیای ماشینی ، یا در حقیقت تمدن نفت ، که اکثریت غالب نیروی محرکه آن در حال حاضر نفت و گاز طبیعی است بر اهمیت این ماده انرژی زا بیش از پیش افزوده است . نفت در راستای ماده انرژی زا، چون نیروی محرکه موتورهای مختلف ، و مشتقات متعدد آن ، در تولید مواد پترو شیمی ، در منطقه خاورمیانه ، برای اولین بار، در ایران ، در شهر مسجد سلیمان در سال 1908 ، توسط زمین شناسان و مهندسی انگلیسی کشف و در 16 ماه مه در عمق 360 متری استخراج شد . بعد از این کشف و استخراج ، و تجربه جنگ های جهانی اول و دوم در رابطه با ماده حیاتی نفت و نقش آن در این جنگ ها ، منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس ، تبدیل به یک منطقه ژئوپولیتیک و نفت تبدیل به ماده ژئواستراتژی جهان شد . در راستای اهمیت نفت این ماده استراتژی است که امپراطوری انگلیس ، دولت اسرائیل را در قلب خاورمیانه به عنوان زاندارم منابع نفتی این منطقه آفرید و بعد از جنگ دوم جهانی و حضور فعال آمریکا در منطقه نفت خیز خاورمیانه ، و قرارداد نفتی و انحصاری آمریکا و عربستان سعودی در فوریه 1945 ، زیر عنوان : قرارداد : Quncy بین آمریکا و عربستان سعودی در مراجعت روزولت از کنفرانس یالتا ، این قرار داد با سلطان عربستان ، عبدالعزیز ابن سعود بسته شد . به موجب این قرار داد ، عربستان سعودی تعهد می دهد که هرگز کوچکترین امتیاز کشف و استخراج نفت در عربستان را ، این کشور به دولت ثالث ندهد ، و آمریکا نیز متقابلاً تعهد می دهد که از تمامیت ارضی عربستان و تداوم سلطنت خانواده ابن سعود ، در عربستان را تضمین و از آن در مقابل تهدید های داخلی و خارجی دفاع بکند . در حقیقت عربستان سعودی یک مستعمره و پیاگاه نظامی آمریکا در منطقه نفت خیز حوزه خلیج فارس است . در راستای همین قرارداد : Quncy بین آمریکا و عربستان و پشتیبانی آمریکا از این کشور بود که محمد رضا شاه ، در سال 1970 ، جزیره بحرین را که در طول 2500 سال تاریخ مدون ایران متعلق به ایران بود تحویل اعراب داد ، عربستان نیز چند سال بعد خلیج فارس که حتی در دوران یونان باستان و روم باستان طبق اسناد معتبر تاریخی : (Limen Persikos des Grecs, Sinus Persicus des Latins, al-Bahr al-Farsi (la mer persique) ، -خلیج فارس ، و برای اعراب : البحر الفارس نام داشت نام خلیج عربی بر خلیج فارس گذاشت . امروز یک عده اعراب و حتی ایرانیان خائن و جیره خوار عربستان ، خلیج عربی ، و خوستان را کشور الاحواز می نا مند !!! چرا ؟ برای اینکه طبق مطالعات زمین شناسان معتبر جهان ، متخصص در ذخائر نفتی دنیا ، 70 درصد ذخائر نفتی تأیید شده دنیا در حوزه خلیج فارس قرار دارد ، و این منطقه هم از منظر ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی ، از سال 1907 ، طبق قرارداد بین امپراطوری بریتانیا ، و روسیه تزاری ، که ایران را به سه قسمت تقسیم کرده بودند ، قسمت شمال ، تحت نفوذ امپراطوری روسیه ، قسمت جنوب ، تحت نفوذ امپراطوری انگلیس ، و مرکز بظاهر بنام کشور ایران با یک دستگاه سلطنتی ضعیف و فاسد . در حقیقت از آن تاریخ این منطقه نفت خیز ، متعلق به انگلستان بود و به مرور آمریکا نیز وارد این منطقه شد و با قرارداد : Quncy ، بر استقرار خود در منطقه «مشروعیت» بخشید و بخشی از این منطقه از سال ، سال 1945 متعلق به آمریکا است که اشتراکاً با قدرت های غربی خصوصاً شرکت های نفتی برای چپاول ثروت های این منطقه فعالیت دارند .

در رابطه با نفت و گاز مورد احتیاج جهان امروز ، بعد از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی سابق ، میدان رقابت ها بی امان نیز برای تسلط بر نفت و گاز دریای خزر ، و قزاقستان ، قیرقیزستان ، ترکمنستان ، بین قدرت های اقتصادی و نظامی در حال ظهور ، چون چین ، هندوستان ، ترکیه ، و حتی آمریکا ، و اتحادیه اروپا ، و روسیه ، در حال اوج گیری است . لذا با ملاحظه این رقابت های بی امان این قدرت های مهم جهان ، در محدوده وطن ما ایران چه در شمال و چه در جنوب ، چه در شرق با جنگ در افغانستان ، و چه در غرب در جنگهای متعدد در عراق برای تحکیم سلطه غرب بر مابعد نفتی این کشور مسلماً در این رقابت ها ، چه بسا

امکان دارد ، که تمامیت ارضی و استقلال ایران ، در پشت پرده بده بستانهای این قدرت ، وحتی با افراشتن «پرچم تجزیه طلبی» یک مشت خائن و آلت دست بیگانه ، ایران و ملت ایران با چنین مسائل بغرنج روبرو بشود . لذا در این راستا ، این سلسله مقالات ، با هدف تحلیل و تفسیر سیاست نفتی قدرت های بزرگ ، چه در جهان و چه در منطقه خاور میانه ، به مرور در قسمت های متعدد در اختیار هموطنان قرار خواهد گرفت .

\* \* \*

### الیگارشلی قدرت در ترکیب ثروت ناشی از درآمد نفت ، با قدرت نظامی ، یا به عبارت دیگر : اتحاد امپریالیسم با ملیتاریسم در جهان امروز .

قبل از هر چیز ، تعریف مختصر از معنی و مفهوم آلیگارشلی در اینجا می آوریم . کلمه الیگارشلی ریشه یونانی دارد ، (oligos - یعنی تعداد معدود و arkhê - یعنی فرماندهی) الیگارشلی نظام سیاسی است که قدرت واقعی در دست یک عده افراد معدود ، یا چند خانواده معدود و یا یک عده معدود بصورت کاست قرار دارد . ریشه و پایه قدرت آنان ناشی از ثروت ، یا سنت (رهبران دینی) و یا قدرت نظامی و خشونت جابرانه آنان مایه می گیرد . پیدایش نفت ، و ورود این ماده انرژی زا ، در حیات اقتصادی و نوع زندگی فردی و اجتماعی کشورهای صنعتی و پیشرفته ، باعث ظهور یک الیگارشلی قدرت ، مرکب از قدرت های سیاسی اقتصادی و نظامی ، را در دستگاه حکومتی این کشور ها بوجود آورده است ، که ماهیت و هستی خود را در نمادی با نام قدرت : امپریالیسم- ملیتاریسم ، نشان می دهد . شخصیت های سیاسی ، با مقام های رسمی رئیس جمهور ، معاون رئیس جمهور ، وزیر امور خارجه ، وزیر جنگ ، که چند سال قبل ، یا چند سال بعد ، با مسئولیت های مهم در رده های بالای شرکت های چند ملیتی نفت ، مقام و مسئولیت داشتند ، ویک رابطه ارگانیک این شخصیت های سیاسی - نفتی ، با صنایع نظامی ، دارند ، که جنگ های منطقه ای را در راستای استیلا ی انحصاری بر منابع نفتی و بازار آن در دنیا ، همراه با بازار فروش اسلحه ، باسود کلان حاصل از این تجارت ، انجام وظیفه می کنند .

### جنگ سرد و جنگ گرم برای دسترسی به منابع گاز و نفت جهان .

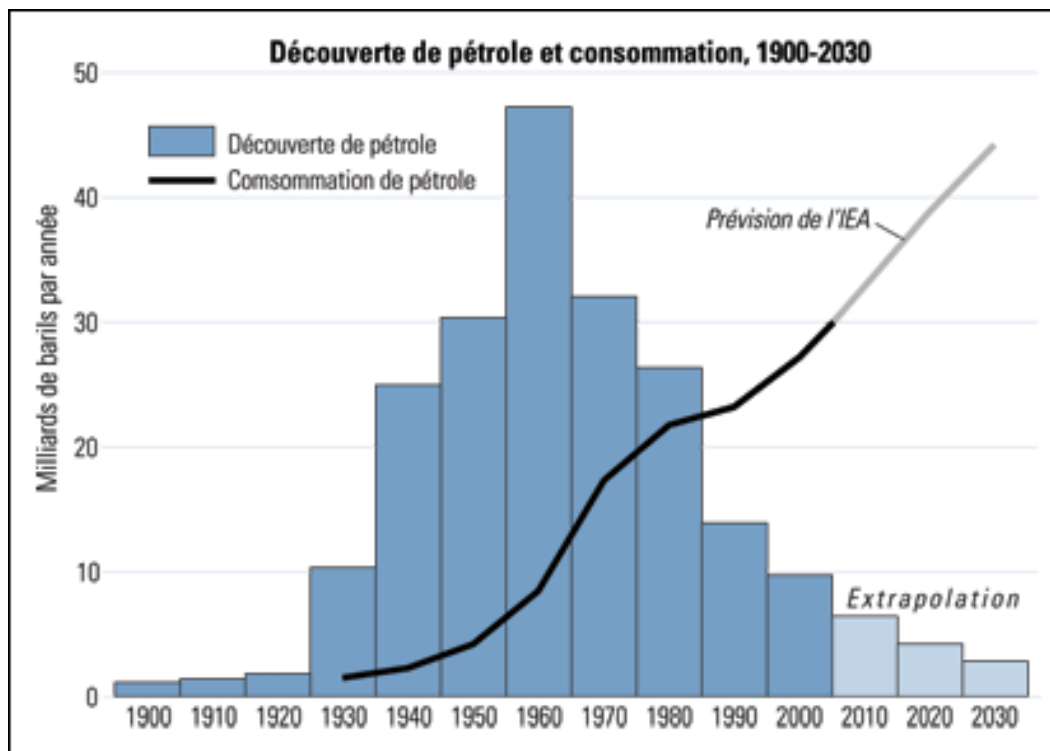
بعد از فروپاشی نظام کمونیستی شوروی در سال 1991 ، بخشی از تحلیلگران مسائل سیاسی در سطح بین المللی ، بر این باور بودند که دوره جنگ سرد جهان دوقطبی ، (جهان سرمایه داری ، در رقابت با جهان سوسیالیستی) به پایان خواهد رسید !!! در صورتیکه واقعیت درست عکس آنرا نشان می دهد. امروز ما شاهد ظهور جنگ سرد و همراه با جنگ های منطقه ای در مناطق و حوزه های نفتی و گازی هستیم که در حقیقت امر ، امران و طراحان این جنگ های خانمانسوز ، در نهایت همان قدرت های بزرگ اقتصادی ، صنعتی هستند . بی جهنت نیست که یکی از معروف ترین تحلیلگران مسائل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی نفت در فرانسه آقای قائدیز مناسیان :: Gaïdz Minassian - عنوان آخرین کتاب خود را :: Caucas du Sud, La nouvelle guerre froide - Arménie-Azərbaycan-Géorgie (قفقاز جنوبی ، جنگ سرد تازه .ارمنستان -آذربایجان - گرجستان) نام داده است .

در تاریخ تمدن بشری ، اکتشاف هیچ ماده ای ، چون نفت ، این ماده انرژی زا، و دهها مشتقات حاصل از آن که در علم شیمی ، با نام : پترو شیمی ، از آن نام برده می شود ، این چنین ، در زندگی فردی و اجتماعی بشر ، در تمام نقاط دنیا ، در تمام شرایط و در تمام سطح توسعه علمی ، صنعتی ، کشاورزی ، بطور کلی ، اقتصادی و فرهنگی ملت ها تاثیر گذار نبوده باشد .

دو نوشته از واقعیت زندگی شخصی و علمی را از قلم شخصیت دانشگاهی سوئدی که در رابطه با نقش نفت به عنوان ماده انرژی زا و ماده ای که در ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی قدرت های بزرگ جهان امروز نقش تعیین کننده دارند ، در اینجا به عنوان سند معتبر می آوریم ، تا خوانندگان بدانند ، که این ماده نفت و گاز تا چه حد در زندگی روزمره ملایر ها انسان ، و در بروز جنگ های خونین با میلیونها کشته و زخمی در طول یک قرن گذشته چه نقشی داشته و چه نقشی دارد ، و چه نقشی خواهد داشت.

**برفسور شل الکت ( Kjell Aleklett )** استاد فیزیک اتمی در دانشگاه اوپسلا سوئد و رئیس : ASPO, Association for the Study of Peak Oil, (انجمن مطالعات نقطه اوج تولید نفت) می نویسد : وقتی که من در سال 1945 در روستائی کوچک در سوئد بدینا آمدم ، از چهار ملک کشاورزی فعال موجود ، در روستای ما هیچکدام از مالکان آنها از انرژی نفت استفاده نمی کردند . دهسال بعد ، یعنی در سال 1955 ، تمدن عصر نفت به روستای ما هم رسید . برای گرم کردن خانه هایمان ، نفت جای ذغال سنگ را گرفت . پدرم یک موتور سیکلت خرید ، بعد از آن تراکتور وارد روستای ما شد . از سال 1970 ، سوئد مصرف نفت خود را هر سال 7 درصد افزایش داد . در طول 25 سال مصرف نفت در سوئد 5 برابر اضافه شد است . ورود سوئد به عصر مصرف انرژی نفت ، این کشور نسبتاً فقیر را ، از منظر ثروت هر شهر وند سوئدی ، به سومین کشور ثروتمند دنیا تبدیل کرده است . 90 درصد افزایش مصرف ناشی از مصرف مواد نفتی است ( منظور نفت و مشتقات ناشی از نفت ، چون پلاستیک ، کود شیمیائی و...) مصرف نفت ارزان ، سوئد را به کشور ثروتمند تبدیل کرد . این بار چین را مثال می آوریم .

یک کشور در حال توسعه ، که 21 درصد جمعیت دنیا را دارد ، 8 درصد نفت تولیدی جهان را مصرف می کند . مسئولین این کشور بر این عقیده اند «...» که حق ملت چین است که حد اقل 21 درصد تولید نفت جهان را این کشور مصرف بکند . این مقدار معادل 17/6 ملیون بشکه در روز می شود. در 5 سال گذشته تولید ناخالص چین 8/2 درصد در سال اضافه شده است و مصرف سالانه نفت کشور هم 8/4 درصد نیز اضافه شده است . میتوان همین تناسب منطقی بین افزایش تولید ناخالص داخلی و مصرف نفت در چین و در سوئد 50 سال پیش را مشاهده کرد . اگر اقتصاد چین در آینده هرسال 8 درصد رشد در 5 سال آینده داشته باشد ، در آن صورت باید در چین ، منتظر افزایش مصرف 3 ملیون بشکه نفت در روز باشیم . بنا بگفته پرفسور چینی :Pang Xiongqi-استاد دانشگاه پکن ، متخصص نفت ، تولید نفت کشور تا سال 2009 ، در همین حد خواهد ماند ، بعد از آن شروع به کاهش خواهد کرد . این وضع گویای این اصل است ، که در حال حاضر چین در روز 3 ملیون بشکه نفت وارد می کند . اگر قرار باشد مقدار واردات نفت را در طول 5 سال آینده به دو برابر برساند ، در آن صورت این مقدار نفت را باید از کجا وارد بکند ؟



. گرافیک و منحنی نمودار کشف معادن نفت از سال 1900 و رابطه و نسبت آن با مصرف نفت از سال 1900 تا سال 2000 و وپیش بینی نسبت کشف نفت با مصرف نفت در سال 2030 . به عبارت دیگر از سال 1980 مقدار معادن کشف شده نفت از منظر ظرفیت تولید این معادن ، به نسبت رشد مصرف نفت در سطح جهان ، رابطه منفی را نشان می دهد . از این جهت است که در روابط بین المللی امروز ، ارزش ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی نفت ، نقش تعیین کننده را بازی می کنند. (2) ماخذ

پروفیسور: Kjell Aleklett در مقاله تحلیلی خود ادامه می دهد «...» از زمانی که ما برای مطالعه نقطه اوج حد اکثر نفت کشف شده قابل استخراج ( ASPO-Association for the Study of Oil and Gaz ) را در سال 2001 تشکیل دادیم ، هدف مان این بود که سعی بکنیم به دنیا این آگاهی را بدهیم ، که رشد بی حساب و کتاب مصرف نفت در دنیا ، بزودی جهان با کمبود نفت مواجه خواهد شد . اولین گروه مطالعه روی مسئله : Depletion (-) (تقلیل بازدهی معدن نفت ) در سال 2002 در شهر اوپسلا در سوئد شروع بکار کرد . این گروه چنین بر آورد کرد که سال 2010 ، سال حد اکثر تولید ممکن معادن نفت خواهد بود . سال دقیق حد اکثر تولید دقیقاً بستگی به تقاضای مصرف نفت در آینده دارد ، و ما زمانی از آن آگاه خواهیم شد ، که آن مرحله حد اکثر مصرف را گذرانده باشیم . مطمئناً این مرحله ( تقاضای مصرف بیش از امکان عرضه ) قبل از سال 2020 خواهد رسید

متاسفانه تعداد خیلی کم از مردم دنیا به این اخطار ما توجه می کنند ، ولو آنکه علائم نشان دهنده آنرا حتی **یک آدم کور می تواند ببیند!!!**

( خوانندگان فکر نکنند که این سخنان بی معنی است ، جنگ 2003 آمریکا و انگلستان و هم پیمانانشان علیه عراق در حقیقت توسط شرکت های نفتی ، در راستای تسلط به منابع نفتی این کشور راه اندازی شد . در سال 1999 ، که هنوز

**Gorge W. Bush** - ژرژ دبلیو بوش ، رئیس جمهور آمریکا و **Dick Cheney** - دیک شنی به مقام معاونت رئیس جمهور نرسیده بودند و دیک شنی مدیر شرکت چند ملیتی نفت : Halliburton - بود ایشان کاملاً از این مسئله (تقاضای مصرف نفت - بیش از امکان عرضه نفت ) آگاه بود ، که به مرور در محدوده این مقاله به آن موضع خواهیم رسید . تاکید از صاحب قلم .)

50 سال پیش مصرف سالانه نفت در دنیا 4 میلیارد بشکه بود و ضریب بازدهی نفت معادن جدید کشف شده در سال 30 میلیارد بشکه بود . امروز ما با 30 میلیارد بشکه مصرف نفت در سال مواجه هستیم ، در صورتیکه بازدهی نفت معادن جدید کشف شده در حدود 4 میلیارد بشکه در سال است . این واقعیت را شرکت نفت **Chevron** نیز در یک آگهی منتشر کرده و چنین نوشته بود : «...» دنیا برای کشف یک بشکه نفت ، دویست و یک بشکه نفت از ذخائر کشف شده مصرف می کند ، این مصرف بی تناسب با کشف جدید نفت ، نسبت به مصرف نفت موجود شما را نگران آینده نمی کند ؟

بنا به سناریو انستیتو بین المللی انرژی ( International Energy Agency - I EA ) متکی به آمار و ارقام سال 2004 ، تقاضای مصرف روزانه نفت در جهان 121 میلیون بشکه در روز است . در 25 سال آینده لازم است 25 میلیون بشکه در روز اضافه شود . این مقدار احتیاج اضافی را باید از معادن تازه کشف شده تامین کرد . یعنی با این حساب ما باید ، معادل چهار برابر تولید معادن نفت دریای شمال ، معادن جدید پیدا بکنیم ، که در واقعیت چنین عملی ممکن نیست . هر معادن نفت بعد از مدتی بهره برداری ، از ضریب بازدهی آن کاسته می می شود . ولو اینکه تکنولوژی امروز این افت بازدهی را تا اندازه های میتواند کند بکند ، ولی هرگز نمی تواند در نهایت مانع آن بشود . (معادن نفت دریای شمال ، آخرین میدان ذخیره مهم نفت است که در زمان معاصر کشف شده است . این میدان نفت در سال 1969 کشف شد ، که مقدار ذخائر آنرا 60 میلیارد بشکه تخمین زده شده است . ماخذ (3)

موسسه بین المللی انرژی و صنایع نفت این اصل را قبول دارد ، که مجموعه معادن نفت در حال استخراج به نقطه اوج بازدهی خود رسیده اند ، و این معادن ، وارد مرحله نزول باز دهی شده اند بنا به نتیجه مطالعات شرکت : Exxon Mobil - میانگین سقوط بازدهی تولید نفت در دنیا در حدود 4 تا 6 درصد در سال است .

\* \* \*

### جنگ آمریکا و متحدین این کشور در 20 مارس 2003 علیه عراق .

این جنگ بمانند سایر جنگهای خلیج فارس برای نفت بود . بازوی قدرت امپریالیسم در جهان امروز ، میلیتاریسم حاکم در دستگاه حکومتی نظام امپریالیستی است (قدرت و سلطه نیروهای نظامی) . با این واقعیت غیر قابل انکار ، که درکل این سیستم ، پیوند جدا ناپذیر امپریالیسم با میلیتاریسم ، به نیروی حیاتی و انرژی زا لازم برای راه اندازی این قدرت را دارد ، که در زمان حاضر ، این ماده انرژی زا ، نفت و گاز است خصوصاً در صورت امکان ، به مقدار بی پایان و با قیمت ارزان در اختیار این قدرت امپریالیستی - میلیتاریستی باشد . نفت و گاز ارزان قیمت بمانند خون در رگ یک انسان سالم ، برای ادامه حیات قدرت های امپریالیستی لازم و ضروری است . چون تاکنون ، بشر نتوانسته است ، انرژی دیگر را با خصوصیات شیمیائی و فیزیکی نفت و گاز (قابل حمل بودن ولو به مقدار محدود ) را جانشین این انرژی بکند . به همین خاطر نیز ، از روزیکه نفت در جهان کشف شد ، این ماده انرژی زا ، به سرعت تبدیل به ماده استراتژیک شد . بی جهت نیست که تحلیگران مسائل ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک نفت را با عنوان : **سلاح نفت - سلاحها برای نفت** می نامند . برای بهتر شناختن نقش این ماده حیاتی برای امپریالیسم و میلیتاریسم ، اینباز ، چهره یکی از نقش آفرینان سلاح نفت ، و سلاح برای نفت که در **دنیا شهرت جهانی دارد : Dick Cheney** - دیک شنی بطور خلاصه در اینجا ، از منظر خوانندگان می گذرانیم ، وبعدها نقش او را در جنگ 2003 ، جنگ سوم خلیج فارس (جنگ اول خلیج فارس - جنگ صدام علیه ایران 1980-1988 . جنگ دوم خلیج فارس ، جنگ ژرژ بوش پدر (1990-1992 شروع آن با شغال کویت در 2 اوت 1990 توسط صدام ) جنگ سوم خلیج فارس ، جنگ ژرژ دبلیو بوش ، علیه صدام در سال 2003 شروع آن 20 مارس 2003 ) در اختیار خوانندگان می گذاریم

**شرح مختصر زندگی سیاسی : نفتی دیک شنی . Dick Cheney**

اسم واقعی دیک شنی ، ریشارد بروس شنی ( Richard Bruce Cheney ) است که در 30 ژانویه 1941 در ایالت نبراسکا به دنیا آمده است او عضو حزب جمهوری خواه آمریکا و از سال 2001 به عنوان معاون رئیس جمهور ژرژ دبلیو بوش در قدرت بود . دیک شنی دوران جوانی اش را در شهر : Caspaer- (شهری با 50 هزار جمعیت در امارگیری سال 2000 ، واقع در ایالت : Wyoming- با اقتصاد کشاورزی ) پدر دیک شنی در بخش کشاورزی این منطقه فعالیت داشت . دیک شنی بعد از تحصیل در دانشگاه معروف : Yale – در دانشگاه : Wyoming - نیز برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود ، ادامه تحصیل داده است . ضمناً دیک شنی با شخصیت سیاسی معروف حزب جمهوری خواه ، بنام : William Steiger - همکاری نزدیک سیاسی داشت . . دیک شنی خیلی زود نظر : - Donald Henry Rumsfeld عضو حزب جمهوری خواه (متولد 1932 ) را بخود جذب می کند . بعد از سال 1969 ، کار در امور دولتی را شروع می کند ، خصوصاً در دستگاه حکومتی ریچارد نیکسون ، (رئیس جمهور آمریکا از 1969 تا 1974) در درون کاخ سفید ، وسازمان اداری این نهاد شروع به کار می کند . وقتی که بعد از افتضاح واترگیت ، نیکسون در 8 اوت 1974 مجبور به استعفا می شود ، دیک شنی ، در دوران ریاست جمهوری جerald فورد جانشین نیکسون به عنوان معاون دستیار جerald فورد به کار خود در درون کانون قدرت اجرایی دولت آمریکا ، یعنی کاخ سفید به کار خود ادامه می دهد . در این زمان جerald فورد ، دونالد رامسفلد را به عنوان رئیس گروه انتقال مقام ریاست جمهوری انتخاب می کند . سال بعد دونالد رامسفلد این مقام را ترک می کند ، و با مقام وزیر دفاع شروع به کار می کند (1975-1977- ) دیک شنی در دوران ریاست جمهوری جerald فورد سمت رئیس گروه مشاوران جerald فورد را داشت . در این زمان است که دیک شنی جوان خیلی زود معروف و مشهور می شود و راه برای رسیدن به مقامات بالا برای او باز می شود . دیک شنی تا شکست جerald فورد از جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری سال 1976 در کنار جerald فورد میماند . او در سال 1977 به ایالت : Wyoming بر می گردد واز این ایالت به مقام نماینده کنگره انتخاب می شود .



دیک شنی خیلی سریع در سطح آمریکا مشهور می شود . در زمان ریاست جمهوری ژرژ بوش پدر ، بین 1989-1993 ، به مقام وزیر دفاع منصوب می شود . او در این مقام : عملیات نظامی مهم را در پاناما و اشغال این کشور بنام : (عملیات عادلانه ) - Operation Just Cause, was the invasion of Panama by the United States - رهبری کرد .

دیک شنی در جنگ دوم خلیج فارس ، بعد از اشغال کویت در 2 اوت 1990 ، معروف به جنگ دوم خلیج فارس در دولت ژورژ بوش پدر ، همراه با متحدان نظامی آمریکا ، در کنار : کولن پاول ، (Colin Powell - ژنرال - وزیر امور خارجه ، در دولت ژرژ دبلیو بوش پسر ) با متحدان نظامی آمریکا ، در عملیاتی بنام ، طوفان صحرا به انگلیسی : Desert Storm ، در 17 ژانویه 1991 ، با مقام وزیر دفاع شرکت کرد . در ژوئیه 1991 این رجل سیاسی ودر عین حال ، **مرد شرکت های چند ملیتی نفت در آمریکا** ، مدال آزادی ریاست جمهوری را بخاطر عملیات موفقیت آمیز جنگ دوم خلیج فارس را به سینه می زند. فراموش نکنیم که دیک شنی هم یک رجل سیاسی و هم یک رجل تجارت بین المللی نفت و گاز در جهان است . این جا است که خوانندگان به این مسئله مهم ، یعنی : **تداخل ثروت های ناشی از غارت نفت و گاز ملت های فقیر ، با ایدئولوژی : امپریالیسم ، و ملیتاریسم** را مشاهده می کنند . فراموش نکنیم که این رجل سیاسی مشاور امور بازرگانی شرکت چند ملیتی : Halliburton - آمریکائی است .

از سال 1992 وقتی که بیل کلینتون به مقام ریاست جمهوری رسد ، دیک شنی ، تبدیل به مشاور شرکت های نفتی می شود ، البته این لابی های نفتی چون شعبده بازان حرفه ای این شخصیت سیاسی را «در جعبه مارگیری خود » برای برنامه های آینده خود داشتند. دیک شنی چندین بار سیاست بیل کلینتون را ، سخت انتقاد می کند . انتخابات ریاست جمهوری سال 2001 آمریکا ، با اختلاف محاسبه تعداد آراء بین جورج دبلیو بوش و - Albert Arnold Gore - آلبرت آرنولد گور به اختلاف و مشاجره می کشد و در نهایت جورج دبلیو بوش ، به مقام ریاست جمهوری از سال 2001-2008 انتخاب می شود . در طول این 8 سال ، دیک شنی معاون رئیس

جمهور آمریکا بود و این بار این شخصیت سیاسی نفتی ، به مقام معاونت رئیس جمهور ، رامسفلد نیز از سال 2001 تا 2006 وزیر دفاع جورج دلبیو بوش بود. وقتی به مقام و مسئولیت های شغلی این افراد مشهور در دستگاه حکومتی ، و شرکت های چند ملیتی کارتل های نفت و لابی های مختلف ، چون لابی های صنایع نظامی ، لابی ها بانک ها ، لابی صهیونیست ها ، در آمریکا دقیق می شویم ، به این نتیجه میرسیم ، که در حقیقت این قدرت بزرگ جهانی ، ترکیبی است از قدرت امپریالیستی و ملیتاریستی .



نقشه دنیا ، و حضور نظامی آمریکا در 50 کشور دنیا . در این نقشه مناطق و کشورهاییکه آمریکا پایگاه نظامی دارد این حضور نظامی را با رنگ قرمز نشان داده می شود. ماخذ: (4)

علاوه بر آن آمریکا صاحب بزرگترین ناوگان جنگی با ناو های هواپیما بر خود و ناو های اسکورت این ناو های هواپیما بر ، در واقع پایگاه های نظامی مجهز به تمام سلاح جنگی پیشرفته است که تمام اقیانوس های دنیا را در اختیار خود دارند . اسامی این ناو های هواپیما بر آمریکا از این قرار اند :

1- Kitty Haw, 2- Constellation, 3- Enterprise, 4- John F. Kennedy, 5- Nimitz, 6- Dwight D. Eisenhower, 7- Carl Vinson, 8- Theodore Roosevelt, 9- Abraham Lincoln, 10- George Washington, 11- John C. Stennis, 12- Harry S. Truman et 13- Ronald Reagan.

شالامر جانسون – ( Chalmers Johnson ) این استاد علوم سیاسی امریکائی ، در دانشگاه کالیفرنیا ، در مقاله خود با عنوان : امپراطوری پایگاه های نظامی آمریکا ، چنین می نویسد : ما امریکائیان ، پایگاه های متعدد مخفی در خارج از خاک آمریکا داریم ، که از این طریق خصوصاً بوسیله کنترل الکترونیکی ، مکالمات ، مکاتبات ، تله کپی های شهروندان خارجی و همچنین شهروندان امریکائی را زیر نظر داریم . ماخذ : ( 5 )

پایان بخش اول .

پاریس 15 فوریه 2012 –

اقتباس بطور کامل و یا به اختصار ، با ذکر نام نویسنده و نام سایت ، کاملاً آزاد است .

**بخش دوم : ژئوپولیتیک و ژئواستراتژی نفت - جنگ نفت و جنگ برای نفت .**

ادامه دارد ....

ماخذ :

<http://economiedurable.over-blog.com/article-les-chiffres-clefs-de-la-population-45829872.html>

2- <http://www.delaplanete.org/Petrole-Un-chemin-difficile.html>

3- [http://www.multilingualarchive.com/ma/enwiki/fr/North\\_Sea\\_oil](http://www.multilingualarchive.com/ma/enwiki/fr/North_Sea_oil)

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=53144> - -

<http://www.echecalaguerre.org/index.php?id=1085> 5-